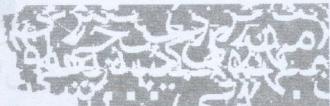




کینگزی ایمیس / ترجمه‌ی امید نیک فرجام

## عاقبت کار



بلافاصله پس از نوچوانی است، مثلاً میانه‌ی بیست سالگی، می‌توانی اسمش را بگذاری سال‌های بلوغ کاذب، یعنی وقتی که برای اولین بار رسماً و کاملاً گرفتار امور می‌شوی و عقلت را از دست می‌دهی.»

(از رمان جیم خوش‌شانس، ۱۹۵۴)

کینگزلی ایمیس، تنها پسر منشی یک بنگاه بازرگانی، در لندن به دنیا آمد و در مدرسه سیتی آولاندن و کالج سنت جانز دانشگاه آکسفورد تحصیل کرد. او در همین کالج به حزب کمونیست پیوست، دبیر خبرنامه‌ی باشگاه کارگران آکسفورد شد، و گروه‌گر این باشگاه را رهبری کرد. پس از مدتی در نامه‌ای به یکی از دوستانش نوشت: «اغلب اعضای حزب بدون هیچ اطلاعاتی عضو حزب می‌شوند، و بعضی از آن‌ها از هوش و شعور هم بی‌بهره‌اند.» او سپس به خدمت نظام رفت و در سال ۱۹۴۳ با عنوان ستوان دوم از ارتش بیرون آمد. هنگامی که یکانش در بلژیک و آلمان مستقر بود، به اتفاق یکی از افسران همکارش رمانی نوشت درباره‌ی رابطه‌اش با زنی سن‌وسال‌دار. ایمیس پس از به پایان رساندن تحصیلات دانشگاهی اش با عنوان مدرس زبان انگلیسی در کالج سوانسی (۱۹۴۸-۶۱) و دانشگاه کمبریج (۱۹۶۱-۶۳) به کار مشغول شد.

ایمیس در سال ۱۹۴۷ نخستین مجموعه‌ی شعرش را با عنوان نوامبر درخشنان منتشر کرد، و پس از آن مجموعه‌های تصویر ذهن (۱۹۵۳)، اشعار: پرتره‌های فانتزی (۱۹۵۴)، و نمونه‌ها: اشعار ۱۹۴۶-۱۹۵۶

سِر کینگزلی ایمیس (۱۹۲۲-۱۹۹۵)، رمان‌نویس، شاعر، ناقد، و پدر مارتین ایمیس نویسنده (که از او کتاب استالین مخفف به فارسی ترجمه و منتشر شده است)، به طور کلی در دهه‌ی ۱۹۵۰ در کنار نویسنده‌گانی چون جان آزبورن، جان پرین، جان وین، آرنولد وسکر، و آلن سیلیتو در زمرة‌ی «جوانان خشمگین» قرار می‌گرفت، اما ایمیس خود پیوندش را با این نویسنده‌گان انکار می‌کرد. او که در جوانی کمونیستی رادیکال بود بعدها برای نقده محافظه‌کارانه‌ی خود از زندگی و آداب معاصر شهرت یافت. ایمیس زمانی گفت که اگر نتوانی به کسی تلنگری بزنی و آزارش بدھی، نوشتمن چندان معنایی نخواهد داشت.

«خواهی فهمید که ازدواج راه میان بر خوبی به حقیقت است. این هم نه، بلکه راهی برای برگشتن به طرف حقیقت. این را هم در خواهی یافت که سال‌های توهم و خیال‌پردازی، نه آن طور که بزرگ‌ترها دوست دارند به ما حقنه کنند، همان سال‌های نوچوانی، بلکه سال‌های